



تعلیمی تربیت اسلامی

مهمترین متدهای تربیتی جهان

در این مقاله روشها و متد تربیتی معروف جهان مطرح می شود تا با تطبیق و بررسی که در روش تعلیم و تربیت در اسلام شده و خواهد شد، گستردگی و وسعت و عظمت روش اسلام، روشنتر گردد.

مهمترین متدهای تربیتی جهان به قرار زیر است :

متد افلاطون بر محور فضیلت دور می زند او معتقد است که تعلیم و تربیت می تواند افراد با فضیلت را بوجود بیاورد و افراد با فضیلت، جامعه مطلوب (و مدینه فاضله) و ایده آل را بوجود می آورند (تربیت به نظر او عبارت است از رساندن انسان به کمال و جمالی که شایستگی آنرا دارد)

مشخصات عمده روش او نیز چنین است :

۱- تاکید فراوان بر زندگی جمعی دارد و معتقد است که تعلیم و تربیت باید در خدمت دولت باشد. او بیش از حد، جامعه گرا است.

۱- متد افلاطون

۲- متد " ژان ژاک روسو "

۳- متد هاگسلی

۴- متد " راسل "

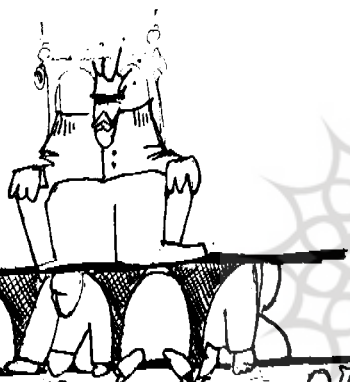
۵- متد " مارکس "

۶- متد " دیوئی "

دید اسلام است ۲.

اهمیت اسلام در ساختن افراد لایق و کامل و تاکید آن بر همبستگی ها و روابط دوستانه و اسلامی نسبت به خویشاوندان (صله رحم) همسایگان ، ایثارها ، و انفاقها ، حتی روابط با افراد غیر همکیش و . . . توجه عمده این مکتب را به جامعه می‌رساند . مسئولیت های چهارگانه انسان عبارت است از مسئولیت در برابر خداوند ، مسئولیت در برابر نفس و جان خویش مسئولیت در برابر خانواده و مسئولیت عظیم او در برابر جامعه و افراد آن ، این آیه گواه بر

گفتار ما است ۳.



ب - انحصار تعلیم و تربیت در خدمت دولت و . . . هر چند منظورش هم دولت خوب و دلسوز باشد باز نمودار یکنوع تنگ نظری و محدودیت است و با آزادی تعلیم و تربیت ، منافات دارد ، به علاوه رقابتهای مشروع و آزاد در تعلیم و تربیت ، خود عامل شکوفائی بیشتر استعدادها است .

۲- ویژگی دوم ، دائره تعلیم و تربیت را محدود و مربوط به افراد خاصی یعنی " آتنی ها " می‌داند . . .

ضمناً او معتقد است که برای تعلیم و تربیت افراد باید استعدادها را کشف کرد و تعلیم و تربیت را بر اساس آن تنظیم نمود او محور کشف استعداد های افراد جامعه را بر اساس طبقه بندی خاصی می‌داند که با ظاهر جالب و به ظاهر صحیح تعریف او در این باره ، سازش ندارد ، زیرا او معتقد است که افراد جامعه همچنانکه از نظر روح به عالی و متوسط و پست تقسیم می‌شوند بر حسب استعداد نیز بر سه قسمند ، بی عقلها ، کم عقلها ، پر عقلها . . .

وی معتقد است که باید طبقه اول را کارگران و صنعتگران که عهده دار کارهای دشوار جامعه و طبقه دوم را سپاهیان و جنگجویان که بمنزله نگهبان جامعه اند ، و طبقه سوم را رهبران و روسا و فرمانروایان تشکیل دهند که سراسر عقل است و بر جامعه باید سروری کنند " ۱)
بنابراین ، این روش از جهاتی قابل نقض و انتقاد است :

الف - با اینکه بر فضیلت فرد اشاره دارد ولی بیش از حد جامعه گراست و تکیه اش بر جامعه بیشتر است تا بر افراد و این شیوه در مقایسه با روشهای معتدل و دور از افراط و یکسونگری و با روش اسلام که قبلاً اشاره کردیم ناقص است چون روش اسلام بر اساس توجه بر نیازهای طبیعی و فطری افراد و تربیت و تعلیم صحیح آنان است و در عین حال به نیازهای جامعه نیز توجهی عمیق داشته ، و به فرد و جامعه نظری یکسان و معتدل دارد و روایات و آیتاتی که در این زمینه هست ، نمودار وسعت

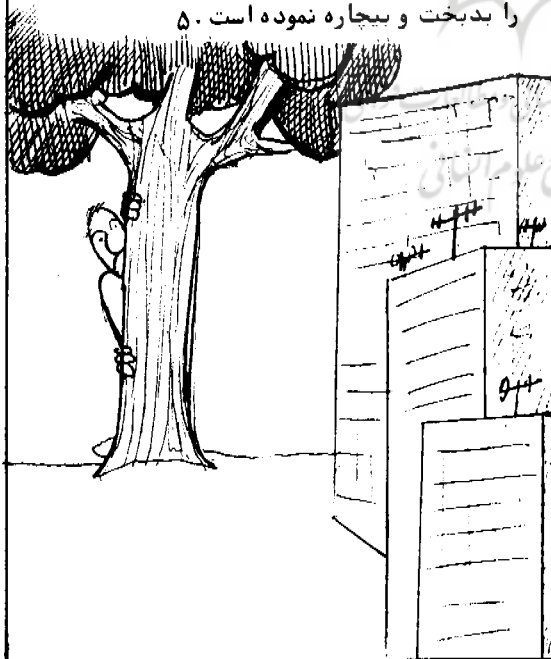
۵- این نظام نه تنها یک مدینه فاضله و ایده-آل را بوجود نمی‌آورد چنانکه تاکنون نیابوده است، بلکه خود طرفدار یک نظام طبقاتی ثابت خواهد شد که طبقه محروم، زحمتکش و... همواره در همان حال بمانند و ترقی نکنند. بر این اساس جامعه و افراد و طبقات آن قابل تطور و تحول و بویا نیست بلکه جامعه ای ایستا و ثابت است.

متد و روش " روسو "

تعلیم و تربیت عرضه شده توسط " روسو " در قرن ۱۸ میلادی است (زندگی روسو ۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) بشدت از جامعه متنفر است و فردگرا است و در مقابل جامعه، طبیعت را عنوان می‌کند و می‌گوید کودک را مطابق طبیعت پرورش دهید، تا سعادتمند شود.

معتقد است که خداوند و طبیعت، انسان را خوب آفریده است ولی جامعه او را شریر تربیت نموده است.

طبیعت انسان را آزاد آفریده، ولی جامعه او را بدبخت و بیچاره نموده است.



علاوه بر این انحصار تعلیم و تربیت در دست دولت به علت اهمیت و کاربرد تعلیم و تربیت معمولاً موجب سوء استفاده هائی از طرف دولتها شده و خواهد شد و دولتها آن را به عنوان یک سلاح مهم و برنده ای، بِنفع خویش و مطامع خود، به کار می‌برند چنانکه در دولتهای استبدادی و بوسیله دیکتاتورها بارها چنین شده و خواهد شد. در نظامهای مادی و کمونیستی این شیوه سوء استفاده نمودارتر است. در فرهنگ استعماری نیز ثمره تلخ آن را چشیده ایم...

ج - تنگ نظری ویژه گرائی، و نژاد پرستانه، در آن به چشم می‌خورد که همانند نژاد پرستان عصر ما، تعلیم و تربیت را مخصوص نژاد خاص مثل نژاد سفید، ژرمن، یا غربی، شرقی و... میدانند که متأسفانه هنوز هم کم و بیش این افکار در قسمتی از جهان حکمفرماست، و افلاطون هم آن را نه تنها در انحصار یک نژاد و یک کشور، بلکه آن قدر آن را محدود ساخته است که در انحصار یک شهر و مردم آن یعنی " آنتی ها " قرار داده است.

در مقایسه این متد، با جهانی بودن و عمومی بودن و عدم محدودیت تعلیم و تربیت در اسلام، این تنگ نظری بیشتر نمودار می‌شود.

۴- مهمتر از همه محکوم بودن طبقه بندی و طرز کار افراد در این روش است که کوشش برای رشد عقل و تقویت نیروی عقلانی طبقه اول و دوم (یعنی طبقه کارگر و سپاهی و...) بعمل نخواهد آمد و آنان، برای همیشه محکوم به وضع خاص خود باقی مانده و ترقی و تکاملی نخواهند یافت.

پیشنهاد می‌کند که جسم کودک... را نیرومند کنند، حواس پنجگانه اش را تقویت نمایند، غریزه اش را پرورش دهند، تا قوه تفکر او از اسارت نجات یابد. وی می‌گوید باید صبر کنیم تا قوه تعقل خود بخود، پیدا شود...

تعلیم و تربیت از نظر او عبسارت است از "آماده ساختن و پرورش کودک برای زندگی آینده به معنای وسیع کلمه. روسو از پیشگامان تعلیم و تربیت جدید در غرب است تا آن زمان بیشتر به محتوی و برنامه تعلیم و تربیت توجه می‌شد تا به خود موضوع کودک. او طبیعت انسان و خود کودک را محور قرار داد."

خلاصه روش او:

۱- تعلیم و تربیت براساس نیاز بچه‌ها

۲- سلطه و اقتدار باید جای خود را به آزادی منطقی بدهد.

۳- دادن آزادی مطلق و بی حساب را به بچه‌ها توصیه می‌کند و می‌گوید بگذارید بچه‌ها در خودشان بارور شوند.

اگر چه در این روش مطالب جالب و ظواهر خوبی به چشم می‌خورد ولی تربیت در این مکتب جنبه منفی دارد و باید کودک را آزاد و از تاثیر نفوذ محیط اجتماعی دور نگهداشت تا استعدادهای طبیعی او شکوفا شود و تربیت از آموختن تقوا و حقیقت، تشکیل نمی‌شود بلکه از بازداشتن دل از آلوده شدن به گناه و روح خطا شکل می‌گیرد.

- شناخت نیاز بچه چگونه است؟ چه کسی باید این نیازها را بشناسد، و درک کند و چه کسی جز خداوند احاطه به همه نیازهای کودکان دارد؟ بنابراین چون امکان آگاهی به همه نیازهای انسان جز برای خدا برای احدی

متصور نیست، هیچ مربی‌ای در این باره موفق نخواهد بود، به علاوه تازه اگر هم تمام نیازهای ظاهری او مفید باشد باز باید بادل‌سوزی و دقت آنها را کنترل کرد و مراقبت نمود تا براه افراط یا تفریط نرود و ناز پرورده و هیززه و لوس بار نیابد. علاوه مگر امکان دارد او را از تاثیر جامعه و محیط بازداشت حداقل دایه ولله‌ او که خود دست پرورده اجتماع است، خواه ناخواه در او اثر می‌گذارد، علاوه مربی چقدر صبر کند، تا غرائز و قوا و استعداد طبیعی او رشد کند تا دست بکار تربیت او بشود. علاوه چنین کاری برای همه در سطوح وسیع امکان پذیر نیست. هرچند سلطه و اقتدار بی‌حد و خشونت بار، درست نیست ولی آزادی بی‌حساب هم مضر و زیانبار است و موجب انحراف‌های خطرناکتری می‌شود حتی ممکن است بچه خود دست به کارهایی بزند که برایش خطرات جانی و جسمی و روحی فراوان و بزرگ ببار آورد. پس باید دخالت کرد. اگر بچه‌ها به حال خود واگذاشته شوند و بدون مربی بار بیابند و تربیت صحیح با نظارت کامل انجام نشود، بسیار خطرناک است چون با این کار موجود وحشی دیگری بر سایر حیوانات افزوده‌ایم. پس تربیت صحیح او ارزنده تر است تا اینکه او را بیه و رها بار آوردن و در خودش بارور ساختن... علاوه تازه چنین روش و تربیتی برای همه بچه‌ها امکان ندارد فقط برای افراد مرفه، ممکن است تانیازها و خواسته‌های مختلف بچه را برآورند.

و بطور کلی باید گفت که جملات "روسو" تا حدودی، جملات جالب و شعار گونه است و عملاً در سرحد افراط قرار گرفته است چنانکه در قسمت

ویتامین A

بعلت کمبود ویتامین (آ) است ، چه ، الکل باعث می شود که در کبد ، این ویتامین کمتر ذخیره شود ، و تازه در موقع لزوم نیز نتواند از مقدار ذخیره شده بقدر کافی در چشم مصرف نماید . چه بوسیله این ماده است که در شبکیه چشم ، ماده ای بنام " ارغوان شبکیه " تشکیل و انسان می تواند در تاریکی ببیند .

در یکی از بیمارستانهای آمریکا در ۲۶ بیماری که دچار (سیروز) یا تشمع کبدی که نوعی استحالته شیمی یا مومی نسج کبدی است شده بودند ، ۱۴ نفر از آنان دچار نقصان تطابق بینائی در تاریکی بودند . پس از آنکه به آنان ویتامین (آ) داده شد ، در ظرف ۲ تا ۴ هفته شب کوری آنان بهبود یافت .

یکی از عوارض شدید و خطرناک چشم ، آب سیاه ، یا باصطلاح (گلوکوم) است که در این بیماری فشار مایع داخل چشم بالا می رود ، و اگر بسرعت درمان نشود باعث نابینائی خواهد شد . ویتامین (آ) در جلوگیری از این بیماری نیز تا حدودی مؤثر است .

وضع خود را تشخیص بدهد ، و این امر بعلت تغییرات شیمیائی است که به سبب مواجهه با تاریکی ناگهانی ، در چشم حاصل می شود .

اگر در بدن بحد کافی ویتامین (آ) نباشد ، این تطابق دیر ایجاد می گردد و با اصلاً " بوجود نمی آید و انسان در تاریکی نمی بیند ، و این همان عارضه شب کوری است . رانندگی این قبیل اشخاص در هنگام غروب بسیار خطرناک است و باعث تصادف خواهد شد .

اگر کمبود ویتامین (آ) مدتی زیاد طول بکشد نتیجه آن زخم غیر قابل درمان قرنیه چشم خواهد شد ، و نتیجه آن نابینائی است . در کسانی که مشروبات الکلی می خورند ، عوارض خطیر چشمی بویژه شب - کوری دیده می شود و این امر نیز

اثر ویتامین (آ) در چشم ؛ یکی از علل کوری چشم کودکان در کشورهای توسعه نیافته ، کمبود ویتامین (آ) در غذای آنان است . علت این امر اینست که در اثر کمبود این ویتامین ، مخاط ظریف دور کره چشم خشک و چروکیده می شود و باعث آسیب و آزار چشم می گردد ، و این عارضه را در اصطلاح علمی (گزروفتالمی) می نامند .

خوشبختانه در کشور ما این عارضه کمتر دیده می شود . کمبود این ویتامین ممکن است اثرات مختلف دیگری نیز در چشم داشته باشد ، من جمله عدم تطابق چشم در تاریکی است . وقتی که انسان وارد اتاق تاریک و یا سالن سینمای در حال نمایش می گردد ، ابتدا چیزی نمی بیند ، اما پس از مدتی چشم به محیط تاریک عادت کرده و انسان می تواند موقعیت و

عقبی مردان می شود این است که الکل متابولیسم ویتامین (آ) را در بدن مختل می کند .

سالهاست که عدمای از پزشکان معتقدند که ویتامین (آ) در جلوگیری از سرماخوردگی موثر است و اکنون دریافته اند که نه تنها این امر درست است ، بلکه در پیشگیری تعدادی از بیماریهای میکروبی نیز بی اثر نیست ، مخصوصاً " درمورد آلودگیهای ویروسی .

محققان بسه حیوانات آزمایشگاهی ویروس آبله مرغان تزریق کرده و ملاحظه نمودند که با خوراندن ویتامین (آ) از بیماری جلوگیری شده و یا حیوان بطور خفیف مبتلا شده است . حتی ساعت بعد از ایجاد بیماری (ویروسی یا میکروبی) درموشهایی که با ویتامین (آ) معالجه شدند اثری از میکرب در خونشان دیده نشد ، در صورتی که درموشهای دیگر که از ویتامین (آ) محروم بودند عفونت خونی شدید حاصل شد .

بهترین منابع ویتامین (آ) :

سبزیهای زرد و سبز منابع غنی این ویتامین هستند ، مثل اسفناج هویج و سیب زمینی . سبزیهای

بقیه در صفحه ۶۲

در سنین بالا که علت ضعف دستگاه هاضمه و یا دندانهای ناجور از خوردن سبزیها امتناع می کنند بیشتر دیده می شود .

اثرویتامین (آ) درختنی کردن اثرات آلودگی هوا

دانشمندان ژاپنی در توکیو با تحقیقات دامنه دار خود متوجه شده اند که ویتامین (آ) درختنی کردن اثرات سمی هوای آلوده محیط نقش مهمی دارد . حداقل اثرات سمی چندین ماده آلوده کننده هواراختنی می کند . آنها دریافته اند حیواناتی که در معرض P.C.B. که یک ماده سمی صنعتی است و از کارخانه ها وارد هوای محیط می شود قرار بگیرند تاخیر در رشد دارند ، مگر اینکه به غذای آنها ویتامین (آ) بیشتری اضافه شود که در این صورت از اثرات زیانبخش ماده مذکور به مقدار قابل ملاحظه ای کاسته خواهد شد .

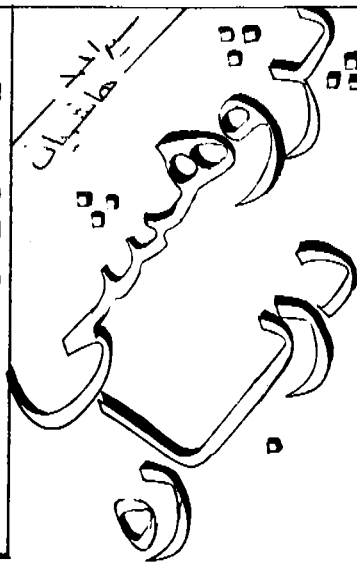
ویتامین (آ) در جلوگیری از خونریزی زیاده از حد قاعدگی بانوان موثر است و همچنین اثرات خوبی در ایجاد نطفه سالم مرد دارد و روی این اصل است که محققان دانشمند دانشگاه (پیتزبورگ) ادعا می کنند علت اینکه آلکلایسم مزمن باعث

در آفریقای غربی تعداد مبتلایان به گلوکوم سی برابر اروپاست ، و این بیماری در اروپا در اشخاص بالاتر از چهل سال دیده می شود ، در صورتی که در آفریقای غربی از سالهای کودکی یعنی از هشت سال بالا به این بیماری دچار می شوند .

عامل مهم این امر در آفریقا فقر مواد غذایی است که نه تنها تعداد بیماری گلوکومی را افزایش می دهد ، بلکه شروع این بیماری را نیز در سنین پائین تر باعث می شود .

پیشرفت این بیماری در آفریقا سریعتر از اروپاست ، علت این امر نقصان ویتامین (آ) در مواد غذایی است . وقتی که به این بیماران ویتامین (آ) بحد کافی داده شود ، بسیار مؤثر خواهد بود ، و آنرا توأم با سایر داروهای معمولی و تدابیر دیگر در معالجه گلوکوم تجویز می کنند . با اندازه گیری فشار داخل چشم در فواصل معین اثر ویتامین (آ) به ثبوت می رسد .

این قبیل ناراحتیهای چشمی نه تنها در کشورهای عقب مانده ، بلکه در کشورهای پیشرفته نیز به علت کمبود ویتامین (آ) دیده می شود ، به ویژه در کسانی که سبزی و میوه کمتر مصرف می کنند



پیش از آغاز سخن، اشاره بدین نکته ضروری مینماید که اصولاً شناختن و شناساندن همهجانبه انسان کار ساده‌ای نیست و یکی از موضوعات دقیق و پیچیده‌ای که در طول تاریخ‌آذهان بسیاری از دانشمندان و متفکران و بخصوص فلاسفه را بخود مشغول داشته همین شناخت ماهیت و نفس انسان بود ماست.

او که از یکسو بپویندگی همیشگی‌اش در هیچ‌حدو مرزی متوقف نمی‌شود و از سوی دیگر از حق و ویژه‌گزینش و انتخاب (اختیار و اراده) برخوردار است، برای رشد و تکامل خویش نیاز به برنامه‌هایی روشن و گویا دارد که همچون تابلوهای راهنما، همواره در پیچ و خم‌های مسیر حیات بکارش آیند و او را در طی راه لحظه‌ای سرگردان و تنها رها

قریبیت از دیدگاه اسلام

از قول شهاب الدین سهروردی (شیخ اشراق) نقل شده که گفته است "انسان ماهیتی ندارد". همچنانکه گفته می‌شود خدا ماهیت ندارد، باین تعبیر که وقتی می‌گوئیم خدا ماهیت ندارد منظور آن است که از نظر هستی برایش حد و حدودی نیست یعنی نامتناهی است. و هنگامی که عنوان می‌کنیم که انسان ماهیت ندارد، مقصودمان این است که برای حرکت و تکامل او مرزی وجود ندارد، زیرا او موجودی است یویاویی سکون که هستی او در همین حرکت

و یویائی وی خلاصه می‌شود؛ و بگفته شاعر:
موجیم که آسودگی ما عدم ماست
مازند ما ز آنیم که آرام نگیریم
این حرکت انسان چنانچه بسوی کمال هم نباشد، بلکه در جهت سقوط و نقصان باشد باز هم در این سیر نزولی حد و مرزی در برابر وی قرار ندارد و به بیان قرآن تا (اسفل السافلین) پیش می‌رود، همانگونه که وقتی در جهت کمال و رشد حرکت می‌کند، سیر و تکامل او تا (اعلا علیین) ادامه می‌یابد و تا قاب قوسین و سدرة المنتهی بر می‌گشاید. آری از همین جاست که

نسازند. این خصلت ذاتی و کمال فطری انسان را که همان پویندگی آزادانه و آگاهانه او بسوی خداست قرآن کریم بشیواترین وجه بیان می‌کند: يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ.
ای انسان تو در راه ملاقات پروردگارت در تلاش هستی و او را ملاقات میکنی (سوره انشراق آیه ۶).

از آنجا که هستی خدایی پایان است بنابراین انسان هر چه در این راه پیش برود و تکامل پیدا کند باز هم باید به سیر خود ادامه دهد، چون مقصدی پایان، مسیر

بی پایان را ايجاب میکند، وهمین ضرورت آگاهی برچشمسورفتن، تا کجا رفتن و چگونه رفتن است که نیاز اساسی وی را به تربیت و تعلیم مطرح می سازد. و باز از همین رهگذر، رسالت و نقش پیامبران راستین الهی آشکار میگردد. **وَبَرِّكِيهِمْ وَبِعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**. تا پیامبر آنان را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و کتاب آسمانی و حکمت الهی را بایشان بیاموزد. (سوره جمعه آیه ۲).

سیستم تربیتی اسلام

نظام تربیتی اسلام در اساس خود دارای ویژگیهایی است که در نهایت این نظام را از دیگر نظامها و سیستمهای تربیتی مشخص و ممتاز میسازد.

برنامههایی که اسلام جهت تربیت و انسان سازی دارد، برای یک قوم و یک ملت و یک منطقه جغرافیائی مشخص و عصر و زمان معینی نیست، بلکه الگوئی است کامل برای کل بشریت در طول تاریخ جهان. و بسخن دیگر این برنامهها، همه جایی، همهگاهی جاودانی و جهانی میباشد. در این نظام رشد و تکامل همه جانبه ابعاد وجودی انسان مطمح نظر مییابد. لذا چنین نظامی بهیچوجه نمی-

تواند هدف غائی خود را تنها در پرداختن به بعد مادی و به تعبیر روشن تر بعد حیوانی انسان در قالب خوراک و مسکن و بهداشت و کار مناسب تر و رفاه بیشتر و خلاصه زندگی مادی بهتر آنگونه که شعار مکاتب مادی و الحادی است خلاصه کند و یا برعکس بمانند رهبانان و مرتاضان و کج اندیشان اندیشه دزدگی از دنیا و چشم پوشی از مواهب طبیعی حیات را ترویج و تائید نماید. آری چنانچه گفته شد در نظام تربیتی اسلام پرورش همه استعدادها و رشد و تکامل هماهنگ و همه جانبه کلیه ابعاد وجود آدمی مطرح است. باین تفاوت که زندگی این جهانی هدف غائی خلقت انسان بحساب نمی آید. بلکه این جهان بمثابة معبر و مدخلی است برای جهانی برتر و گسترده تر، که کمال مقصود و وصال معشوق و درک حضور معبود در آنجا تحقق می یابد. آری زندگی این جهان وقتی مطلوب است که فلسفه حیات که همانا پویندگی بسوی کمال است مورد توجه قرار گیرد و الاحیاتی که حاصلش در جازدن و سقوط باشد ارزش تداوم ندارد و بمضمون دعای امام باقر (ع) باید از خداوند پایان آنرا درخواست کرد.

در این سیستم تربیتی، بگونه ای عمیق بعد روحانی و الهی انسان

مورد توجه قرار میگیرد، انسانی که قرآن سمبل آن را در وجود آدم ابوالبشر مجسم می کند، موجودی که در طرح آفرینش، خداوند از روح خود در او میدمد، اسماء را باو تعلیم میدهد، و دست آخر او را امانتدار و جانشین خویش در روی زمین انتخاب میکند و به فرشتگان فرمان سجده بروی را میدهد. (مضمون آیات ۳۰-۳۳ سوره بقره).

لذا می بینیم که رهبران آسمانی عموماً سعی می کرده اند با رأفت و مهربانی به انسانها نزدیک شوند و تکیه گاه خود شان را انسانیت انسان و معنویت و روحانیت ذات وی قرار دهند **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**: ای پیامبر ———— را فرستادیم مگر به عنوان رحمت برای همه مردم (انبیاء ۱۰۷) هیچ پیامبری روی ثروت یا طبقه یا نژاد انسانها تکیه نکرده است بلکه همه آنها کرامت و ارزش ذاتی انسانها را وجهه نظر خویش قرار داده اند و هرگز خویشتن را در قالبیهای تنگ و محدود مکاتب مادی و الحادی که انسان را تا سرحد حیوان و بلکه کالائی بی جان (جماد) یعنی ابزار تولید همچون آهن پاره و ماشین تنزل داده اند گرفتار نکرده اند.

بقیه در صفحه ۶۵

آفتاب آینه برون
ایمانی نبینند؟



آب!

روی زمین نه غلفی خواهد روئید و نه موجود جاننداری زنده خواهد ماند. خلاصه می‌توانید تصور کنید که یک کره کاملاً "مرده به نظر خواهد رسید که یک آسمان بدون ابر بارنگهای وحشتناک غیرعادی در آسمان آن خواهد درخشید. چنین ترکیب ساده‌ای که اگر وجود نداشته باشد نه زندگی ونه شعور و یابی شعوری وجود نخواهد داشت چرا؟ قبل از همه چیز بخاطر اینکه آب

آب H_2O در عمل ماده شماره یک زندگی میباشد. یک اتم اکسیژن باضافه دو اتم هیدروژن احتمالاً یکی از اولین مواد شیمیایی که شمادر مدرسه می‌آموزید آب میباشد. حالا تصور کنید اگر آب از روی کره زمین ناپدید میشد کره ما بچه سرنوشتی دچار میشد.

دریاها و اقیانوسها که بایک لایه ضخیم نمک پوشیده باشند بصورت حفره‌هایی بجای خواهند ماند رودخانهها بصورت کانالهایی خشک در خواهند آمد. چشمهها هرگز نخواهند جوشید. کوه سنگها تبدیل به خاکستر خواهند شد زیرا آب یکی از اجزاء اصلی آن میباشد. در

آب بطور غیرمنتظره‌ای خواصش با این گروه تغییر می‌کند و مثلا درجه حرارت جوش آن خیلی بیشتر از مقدار قابل پیش بینی می‌باشد. این اولین خاصیت غیر عادی آب می‌باشد. دومین خاصیت غیرعادی آن نقطه انجماد آن می‌باشد. قوانین سیستم تناوب جدول مندلیف درجه انجماد آبرو در منهای ۱۰۰ درجه زیر صفر پیش بینی می‌کند. اما آب در صفر درجه منجمد می‌شود. این دو پدیده غیر عادی بیانگر این واقعیت می‌باشند که حالت مایع و جامد آب در روی زمین غیر عادی می‌باشند. برطبق قوانین آب در روی زمین باید فقط بصورت بخار موجود باشد. حال تصور کنید که خصوصیات آب تابع قوانین جدول مندلیف بودند. برای داستان - نویسه‌های علمی این یک پایه عالی برای فکر در مورد داستانهای کمناک میشد. زیرا در آن صورت نمیتوان تصویر کرد که آیا اصولاً "زندگی امکان پذیر بود و یا اینکه مشکل زندگی ممکن بود چگونه باشد! ولی برای ما و دانشمندان واضح است که جدول مندلیف خیلی پیچیده‌تر از ظاهر آن می‌باشد و خصوصیات اجزای این جدول بیشتر شبیه خصوصیات آدمهای زنده می‌باشد که همه آنها را نمیتوان با یک فرمول بیان کرد. ولی چرا؟ زیرا ملکولهای آب دارای یک ترکیب بخصوص می‌باشند و بهمین دلیل قدرت قابل توجهی در جذب یکدیگر دارند. در واقع اشتباه خواهد بود اگر وقتی که بیک لیوان آب نگاه کنیم تصویر ملکولهای آب را بصورت (H_2O) داشته باشیم. صحیحتر خواهد بود اگر ما فرمول آب را بصورت $(H_2O)_n$ بنویسیم و n تعداد ملکولها را در اجتماع آنها نشان خواهد داد.

مهمترین ترکیب زمین می‌باشد. وقتی سلسیوس اولین ترمومتر خود را اختراع نمود، اودستگاه خود را بر مبنای دومقدار و یا دوعدد یعنی نقطه جوش و نقطه ذوب آب بنا نهاد. اونقطه‌ی جوش را صد در نظر گرفت و نقطه‌ی انجماد را صفر فرض کرد. سپس فاصله بین این دو را به ۱۰۰ جزء تقسیم نمود. و باینطریق اولیـــــــ دستگاه اندازه‌گیری درجه حرارت ساخته شد. حالا سلسیوس اگر میدانست که آب عملاً "نه در صفر درجه سانتیگراد یخ می‌زند و نه در صد درجه می‌جوشد چه فکری میکرد؟ امروزه دانشمندان متوجه شده‌اند که آب غیرعادی - ترین ترکیب می‌باشد. در اینجا شما ادعای دانشمندان را در اینمورد خواهید شناخت. طبق خواص دیگر ترکیبهای حاصل از جدول مندلیف بایستی آب قاعدتا در ۱۸۰ درجه سانتیمتر از نقطه جوش فعلی یعنی در منهای هشتاد درجه بجوشد. خصوصیات عناصر جدول مندلیف در هر گروه بطور مرتب از عناصر سبک به عناصر سنگین بطور شناخته شده‌ای تغییر میکنند.

این خصوصیات بستگی به محل عناصر در جدول دارد. مخصوصاً " ترکیبهای هیدروژن هیبریدهای عناصر یک گرمی که خصوصیات مشترکی دارند. اکسیژن از گروه ششم جدول مندلیف می‌باشد گوگرد، سلنیوم، تلوروم، پلونیوم نیز جزء این گروه می‌باشند. هیبریدهای تمام این عناصر همان وضع ملکولی را دارند که آب‌دارا می‌باشد فرمول آنها H_2S H_2Se H_2Te H_2Po می‌باشد. نقطه جوش این ترکیبها بطور قابل پیش بینی مرتب از گوگرد تا برادرهای سنگینتر آن تغییر می‌کند.

پاسخگو

خوانندگان ارجمند همراه تعداد زیادی نامه به دفتر مجله می‌رسد که مسائل و مشکلات تربیتی— روانی و خانوادگی را مطرح می‌نماید که هیئت مشاوران فرهنگی و روان‌شناسی به تک‌تک آنها جواب جداگانه و کاملاً "محرمانه‌ای ارسال می‌دارد .

بعضی اوقات چندین نامه تنهاییک موضوع یابیک مشکل را مطرح می‌کند ، که چه بهتر جواب آنها یکجا در مجله داده شود تا شاید برای خوانندگانی که چنین مسائلی را دارند مفید واقع شود .

لذا بار دیگر صفحه پاسخگو را از شماره آینده می‌گشایم و از شما خواننده عزیز می‌خواهیم در نامه خود قید فرمائید جواب را خصوصی یا در مجله می‌خواهید .

برای اطمینان از حفظ مطالب خود پشت پاکت قیید فرمائید (مربوط به پاسخگوست)

بقیه از صفحه ۱۱

دستور داده اند که معلمان و آموزگاران باید بدون گفتار و سخن گفتن شاگردان را به کمالات انسانی راهنمایی نمایند زیرا در اینگونه دعوت-هاتحمیل عقیده وجود نداشته شاگرد از خود عکس‌العملی نشان نمیدهد زیرا ناآگاه تحت تاثیر کلمات انسانی معلم قرار گرفته آنها را در رفتارشان منعکس میسازد ولی در گفتار، شاگرد احتمال تحمیل عقیده داده بمقاومت برخورد خواست. پدران و مادران در ارشاد و راهنمایی فرزندان باید باین نکته حساس توجه داشته باشند که بجای گفتن‌ها سعی کنند بر اساس وابستگی روانی کمالات معنوی انسانی خود را بفرزندان خود انتقال دهند.

باتوجه باین مقدمات بزرگترین رسالت آموزش و پرورش اینست که معلمان شایسته و متعهد را به

مدارس گسیل دارد تا در برتوجنبه‌های کمالی و انسانی آن معلمان شاگردان ساخته و پرداخته شوند، نباید فراموش کنیم که ملتی سرشار و غنی است که دارای فرهنگی اصیل و توانا باشد و فرهنگی اصیل و تواناست که معلمان آن علاوه بر تخصص‌های علمی از کمالات انسانی بطور سرشار و فراوان برخوردار باشند و بزرگترین ضایعه‌ها وقتی تحقق می‌یابد که در ملت و مملکتی معلمان بدون برخورداری بودن از کمالات اخلاقی و انسانی بشغل معلمی بپردازند چنانچه در دوره طاغوت جزعه قلیلی از معلمان همگی از روحیات ارزنده انسانی و اخلاقی تهی بودند لذا بجای اینکامانسان‌های متعالی پرورش دهند شاگردانی تحویل جامعه میدادند که هر نوع رذائل اخلاقی را دارا بودند حتی برخی از آنان از ترور و کشتن استادبیم و ترس بخود راه نمیدادند!!!

بقیه از صفحه ۳۱

در آیات قرآن موارد عذبه‌های میفرماید سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین یعنی در روی زمین بسیر و سیاحت برداخته در پایان و سرانجام انسان‌های مجرم اندیشه کنید بدیهی است مراد از نظر کردن فکر کردن و اندیشه نمودن است نه دیدن با چشم.

در موارد گوناگونی از قرآن به تعقل و تفکر و تدبیر سفارش شده است در برخی از روایات اندیشیدن ساعتی برتر از عبادت یکساله بحساب آمده حتی در پاره دیگری از اخبار این برتری نامیزان شصت سال هم ارتقاء یافته است پرواضح است در پرتو اندیشه کردن ممکن است فردی که پنجاه سال و یا شصت سال بانحراف کشیده شده بوده

یکباره تحول روحی عمیقی باو دست داده روش خود را تغییر دهد.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اساساً آدمیان در چه مواردی بیشتر بفکر کردن می‌پردازند؟ در پاسخ باید بگوئیم این برخورد با مشکلات است که انسان را جبرا" بفکر کردن وایجاد نیازمندیهای شدید بشریت او را وایمی‌داشته تا بفکر کردن پرداخته اختراعاتی را کشف نماید. بنابراین باید کودکان خود را از ناز پروردگی برکنار کرده آنان را در مشکلاتی که طاقت حل آنها دارند عمدا" قرار دهیم تا بکمک فکر کردن بتوانند راه حل‌هایی را بدست آورند.

ناگفته نماند که قوه فکری هر قدر بیشتر فعال باشد بهتر می‌تواند بهره دهد.

مشابهی را دلیل عقل خود می‌پندارند . این یک خوشبختی را در سرمایه‌داری و آن دیگری در کمونیسم می‌داند .
عقول در صورت صواب در شرایط خاصی به مانور



می‌بخشد مثل لامپ برقی که به شرط روشن بودن کارخانه، قطع نبودن سیم بین راه ، سالم بودن سوئیچ ، شفاف بودن لامپ به مانور می‌بخشد . می‌خواهم بگویم اهوا، شور و شیدائی‌ها مانع پرتوافکنی عقل می‌شوند .

پس فرمان عقل رامی‌توان پذیرفت ولی نه به صورت صددرصد قطعی .

طرز فکر دیگر این است که مطلوب آن چیزی است که علم آن را بپذیرد و موردتأیید قرار دهد . (طرفداران سیانتیسم) . اما واقعه‌ش این است که این طرز فکر هم نمیتواند مورد تأیید باشد زیرا - علوم دائما رو به تکاملند . علوم در کدام

مرحله از رشد و پیشرفت؟

بسیاری از مسائل روزی علم بودند و امروز

بقیه از صفحه ۲۷

از سازندگی دشوارتر است از آن بابت که نخست باید صفات ذمیمه را از ذهن و فکر کودک بشوییم و بعد آن را جهت دهیم و یا از نویسیم .

در پرورش کودک از وسائل و ابزاری استفاده می‌شود چون: تذکر ، پند و موعظه اخطار و انداز ملامت و سرزنش کردن ، قهر کردن از کودک (گاهی می‌توان برای ساختن طفل با او قهر کرد ولی

قهر را نباید ادامه داد) و سرانجام تنبیه بدنی .

تنبیه بدنی در اسلام همانند استفاده از دارو

است و پدر و مادر و مربی حق زدن بچه را ندارند

مگر به هنگامی که راه چاره از هرسو بر آن‌ها بسته

شود . و تازه در آن موقع هم باید به پشت دست

کودک و یا به گفلس زد به حدی که سرخ و بیاسیاه

نشود . زیرا در آن صورت باید دیه پرداخت

گردد .

و بالاخره آخرین کلمه‌ای را که در تعریف تربیت

مورد نظر است کلمه مطلوب است . اما اینکه

مطلوب چیست؟ پاسخها هماهنگ نیست .

عقل‌گرایان (راسیونالیست‌ها) می‌گویند مطلوب

چیزی است که عقل آن را بپسندد . ما این طرز

فکر را نمی‌پذیریم از آن بابت که :

عقول متفاوتند و افراد در جنبه میزان آن

یکسان نیستند .

عقول به سن بستگی دارند عقل یک فرد ۱۰

ساله با یک آدم ۴۰ ساله یکسان نیست .

عقول به تجارب بستگی دارند . عقل فردی

مجرب و غیرمجرب یکسان نیست .

عقول تحت تأثیر اهوا و خواسته‌های مسا

هستند و اهوا قضاوت عقل ما را محکوم می‌سازند .

عقول در صحنه عمل مواجه با تضادند . آمریکا و

شوروی هر کدام خود را عاقلتر و راه و رسم خود را

بهتر می‌شناسند و هر دو هم پیشرفتهای مادی

مهملند و برعکس.

— علوم از راه تجارب به دست می آیند و ما دچار خطای حواسیم .

— علوم و عالمان اغلب در خدمت قدرتمندان و اربابان زر و زورند و قابل اعتماد نیستند .

نظردیگر این است مطلوب آن چیزی است که صاحبان مکاتب و فلسفهها درباره آن نظر دهند . در حالیکه این نظر هم نمی تواند مورد تأیید باشد از آن بابت که آنها هم همان خطای عالمان را دارند و دیدشان اغلب یک طرفه و یک سوگیر است . مثل مکاتب راسیونالیسم ، لیبرالیسم ، ناسیونالیسم ، سیانتیسم ، پراگماتیسم و ...

در بین نظرات فوق اسلام هم نظری دارد که در ضمن مثالی می توان آن را روشن کرد . آن مثال این است که اگر کسی موتوری را اختراع کند آیا او به بیان طرز کار موتور ، روش آن ، و نحوه نگهداری آن صاحب نظرتر است یا یک فرد نجار عطار و ... ؟

سازنده انسان نه یک فرد عالم است نه یک فیلسوف و نه یک رهبر حزب ، بلکه آفریدگار او الله است . اوست که می داند این موتور وجودی به چه چیز نیازمند است ، چگونه باید راه برود موضع او ، امکانات او ، نقاط ضعف او چه می تواند باشد و ... بنابراین مطلوب آن چیزی است که خدایبسندد و ایجاد تغییرات خدایبسنده را تربیت اسلامی می نامیم . ما با دیگر مکاتب و فلسفهها سردعوا نداریم ، بلکه بر اساس همین دلایلی که عرضه شد معتقدیم تربیت باید اسلامی باشد . اما اینکه هدفها ، روشها ، محتواهای این تربیت بطور تفصیل چگونه باید باشند خود عنوان بحثهای دیگری است که می بایست مطرح گردد .

والسلام

بقیه از صفحه ۵۹

مشکل است باندهای بین مجتمع های آب را شکست و بهمین دلیل است که نقطه انجماد و جوش آن خیلی بالاتر از نقاطی است که باید منجمد شده و یا بجوشد .

کوههای وحشتناک یخ با وجود اینکه حدود دهها هزار تن وزن دارند مثل چوب پنبه بر روی آب شناور میباشند چون یخ از آب سبکتر میباشد . هر عنصر دیگری را که میخواهید بجوشانید و فلز جامد آنرا بداخل مایع آن بیندازید بلافاصله به ته آن خواهد رفت دانسیته هر عنصری در حالت جامد بیش از حالت مایع میباشد . آب و یخ در این قانون غیر عادی میباشد . اگر اینطور نباشد در زمستان آبهای زیادی تا قعر آنها یخ خواهند زد و تمام موجودات زنده داخل آنها نابود خواهند شد . در جاهائیکه آب سطح رودخانه در زمستان یخ می بندد آب زیر آن یخ نخواهد بست و همچنان بجریان خود ادامه خواهد داد پس از ذوب هر عنصری شروع به انقباض میکند ، ولی آب که از ذوب یخ بدست می آید کاملاً متفاوت رفتار میکند ابتدا منبسط میگردد و اگر به حرارت دادن آن ادامه داده شود ، بعداً منقبض میگردد و این مجدداً بخاطر خاصیت جذب ملکولهای آب میباشد . در درجه حرارت چهار سانتیگراد این خاصیت کاملاً قابل ملاحظه می شود . یعنی در این نقطه آب سنگینترین دانسیته را دارا میباشد . بهمین دلیل است که هیچگاه آب در رودخانهها و استخرها تا ته یخ نمی بندد ، حتی در سردترین زمستانها این عمل ممکن نیست .

آزادی را و آنجا که باید تنبیه کرد وسخت گیری نمود ، به تنبیها اشاره و سفارش نمود ماست ...

۱- مقدمه‌ای برفلسفه آموزش و پرورش جان دیوئی و تاریخ تقریبی هزاره اول تا حدود سه هزار سال قبل از میلاد ...

۲- به بحثهای گذشته مخصوصا بحث مسئولیتهای انسان مراجعه شود .

۳- من اصیح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم - من سمع منادیا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم " (پیامبر اسلام) (نهج الفصاحه)

۴- مقدمه " امیل " ص ۱ ترجمه زیرک زاده از تاریخ ادبیات گوستاوانسون

۵- امیل ص ۱۹/۲۲

۶- مقدمه برفلسفه برفلسفه تعلیم و تربیت ... ترجمه آریانپور

بقیه از صفحه ۵۳

نفرت او از جامعه چنین بود ماست که بیش از حد از جامعه نفرت دارد و از جامعه زده شده ماست (گر چه در برخی از نوشتههایش اشاره می کند که تربیت فرد برای جامعه ... میباشد)

این روش هم در مقابل روش اسلام که یک روش جامع و کامل وجهانی است و همه ابعاد وجود انسانی و نیازهای واقعی و فطری و روحی و جسمی او را در نظر گرفته است ، یک سیستم و روش معتدل و ایده آل نیست و برخلاف روشهای واقع بینانه که همه ابعاد وجود انسان را با دوراندیشی کامل و لازم ، در نظر گرفته ماست ، یک بعدی و یک طرفه قضاوت کرده است .

گفتیم در زمینه تعلیم و تربیت صحیح و اصل اسلام تمام راهها و حتی عدالت در محبت و تشویق و تنبیه را تا سرحد اعتدال توصیه کرده است . و آنجا که باید کودک را آزاد گذاشت ،

بقیه از صفحه ۵۵

احتیاج بدن را تأمین می کنند ، چه این مواد به مقدار زیاد مواد (بتاکاروتن) دارند که در بدن تبدیل به ویتامین (آ) می شود . برخی از سبزیها مثل هویج سرشار از بتاکاروتن است .

ذکر این نکته ضروری است که ویتامین (آ) در بدن ذخیره می - شود ، و برای مدتی می تواند کمبود ویتامین (آ) مواد غذایی را تأمین نماید و روی این اصل است که بعضی از محققان را عقیده بر این است که خوردن بیش از حد این

دیگر مثل کدو) منظور کدوی زمستانی) ، و گوجه فرنگی دارای مقدار زیادی ویتامین (آ) هستند خربزه نیز ویتامین (آ) فراوان دارد . تخم مرغ ، کره و جگر سیاه نیز سرشار از ویتامین (آ) هستند روغن ماهی نیز بقدر زیاد دارای ویتامین (آ) می باشد . بطور کلی سبزیها و میوهها اگر بقدر کافی مصرف شوند و ویتامین (آ) مورد

ویتامین بعلت ذخیرهٔ بیش از حد ممکن است باعث مسمومیت گردد .

این نظر درست است ، اما اولاً ویتامین (آ) صرف شده بوسیله مواد غذایی هرگز به آن حد نمی رسد ، و ثانیاً اگر بصورت قرص و دارو مصرف شود ، مسمومیت وقتی حاصل می شود که مصرف روزانه آن برای هفتهها و ماههای متوالی ادامه یابد ، و آنهم روزانه هزار تا ۵۰۰ هزار واحد بین المللی مصرف گردد .